

تصمیم والدین برای ازدواج فرزندان

آمار ازدواج‌های سنتی روز به روز کمتر می‌شود به‌خصوص در شهرهای بزرگ و در میان افراد تحصیلکرده، از جهت دیگر فاصله نگرش بین پدر و مادرها و بچه‌ها روزه‌روز بیشتر می‌شود ...



سلامت نیوز : آمار ازدواج‌های سنتی روز به روز کمتر می‌شود به‌خصوص در شهرهای بزرگ و در میان افراد تحصیلکرده، از جهت دیگر فاصله نگرش بین پدر و مادرها و بچه‌ها روزه‌روز بیشتر می‌شود چرا که والدین خودشان را به روز نمی‌کنند و در نتیجه تفاوت سلیقه‌ها بیشتر می‌شود و همین می‌تواند تنش‌ها را بیشتر کند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از ایده آل ؛ در زندگی هر کدام از ما، والدین مان نقش مهمی دارند اما گاهی دخالت‌های نابجای آنها می‌تواند آسیب‌های فراوانی داشته باشد به خصوص در مرحله انتخاب همسر، وقتی مخالفت‌های آنها آنقدر زیاد باشد که امکان تصمیم‌گیری را از ما بگیرد. اما در این مواقع چه باید کرد؟ معمولا چه قبل از ازدواج، چه بعد از ازدواج حضور والدین و همیاری و کمک‌شان می‌تواند مفید و موثر باشد و ما این امر را کتمان نمی‌کنیم و چه بسا در ابتدای زندگی زناشویی کمک‌های مالی آنها، راهنمایی‌هایشان و همچنین دلگرمی آنها کمک فراوانی به زوج‌ها کرده و مسیری را برای آنها مهیا می‌کند تا آجرهای زندگی آنها تا به آخر درست و صاف روی هم چیده شود و بالا رود.

اما والدین همان قدر که می‌توانند تاثیرگذاری مثبت داشته باشند، می‌توانند تاثیرگذاری منفی هم داشته باشند که تشخیص تفاوت بین این دو حالت کار چندان ساده‌ای نیست. در اینجا ضمن بررسی این اختلاف‌نظرها، درباره سبک‌های ازدواج هم بحث می‌کنیم و اینکه هر کدام چه معایب و مزایایی دارد.

همه انسان‌ها احساس تعلق به گروه و به‌خصوص خانواده را دوست دارند، حالا کسانی که از خانواده‌هایشان به طور کلی جدا می‌شوند و بدون رضایت آنها زندگی مشترک تشکیل می‌دهند، ممکن است در سال‌های اول چندان به مشکل برخوردند، اما بعد از چند سال همین احساس بدون خانواده بودن غم‌هایی را برایشان به ارمغان می‌آورد که می‌تواند در زندگی تاثیرات بدی را به جا بگذارد.

انتخاب نهایی با چه کسی است؟

پدرها و مادرها وقتی قبل از ازدواج می‌گویند: #171؛ تو باید با شخص موردنظر من ازدواج کنی؛ یا #171؛ تو نباید با فرد موردنظر تو به فلان دلایل ازدواج کنی و من او را دوست ندارم؛ و... اینها باعث به وجود آمدن کدورت می‌شود و خواه ناخواه از فرزندشان فاصله می‌گیرند. شاید اینجا این سؤال پیش بیاید که پدرها و مادرها تا کجا می‌توانند برای ازدواج فرزندشان نظر بدهند؟ والدین نباید به گونه‌ای رفتار کنند که فرزندشان احساس کند از خودش هیچ اراده‌ای ندارد. باید به جرات گفت در این موضوع نظر نهایی را باید خود فرزند بدهد چون یک عمر زندگی را با یک مسئولیت بزرگ پیش‌رو دارد و کسی تا آخر این مسئولیت را به دوش می‌کشد که خودش از اول انتخاب کرده باشد. در واقع بهترین حالت این است که والدین نظر موافق یا مخالف خودشان اعلام را کنند ولی در نهایت تصمیم‌گیری را به عهده خود فرزند بگذارند. پدر و مادر باید به جای دخالت کردن در کار فرزندشان این فضا را به او بدهند تا خودش فکر کند و تنها به اعلام نظر قناعت نکند.

همیشه حق با پدر و مادرها نیست

امروز فضای سنتی ازدواج تا حد زیادی تغییر کرده و بچه‌ها ترجیح می‌دهند خودشان انتخابگر باشند و تصمیم بگیرند و انصافا باید گفت گاهی ملاک‌های واقعی‌تری هم برای ازدواج دارند. مثلا من بین مراجعانم جوان‌هایی را داشتم که وقتی درباره دلایل مخالفت‌های والدین و نظرات خودشان صحبت می‌کردند، می‌دیدم دلایل بچه‌ها خیلی منطقی‌تر است. البته در کشور ما نمی‌توان بدون خانواده زندگی کرد. اگر خانواده‌ها برای ازدواج موافق نباشند بچه‌ها هم امروز به مشکل برمی‌خورند و هم فردا. آنها چند سال بعد از ازدواج مشکلاتی هم در رابطه‌شان و هم احساسات بدی را درون خودشان تجربه می‌کنند. وقتی جوانی با خانواده‌اش قهر باشد

عملا با خودش و همه آدم‌های اطراف به طور ناخودآگاه دچار تنش‌هایی می‌شود، اضطراب‌ها و احساس گناه را تجربه می‌کند و همه اینها می‌تواند روی زندگی شخصی و زناشویی تاثیر منفی بگذارد.

ازدواج پنهانی چه عواقبی دارد

متأسفانه برخی مواقع هیجان‌ها و آن کودک درون بر رفتارهای ما مسلط می‌شود و ما را به سوی تصمیم‌گیری‌هایی می‌برد که شاید در شرایط عقلانی به آنها تن ندهیم، تنها چیزی که فکر می‌کنیم این است که من او را دوست دارم پس باید با او ازدواج کنم و تحت تاثیر همین هیجانات و احساسات اقدام هم می‌کنیم و بدون اطلاع پدر و مادر تن به ازدواج می‌دهیم، در چنین موقعیتی اول از همه باید در نظر بگیریم تمام مسئولیت این انتخاب بر عهده خودمان است و نباید انتظار داشته باشید والدین به همین راحتی‌ها شما را ببخشند. می‌گنایز اگر خودتان را هم جای آنها بگذارید می‌بینید، حق دارند. زمان می‌برد تا وضعیت به حالت عادی برگردد، حتی ممکن است تا مدت‌ها واکنش‌های منفی بسیاری چون متلک، حرف‌های نامناسب و... از خود بروز دهند. اما بچه‌ها باید عذرخواهی کرده و سعی کنند آرامش را به همراه هم به فضا بازگردانند تا نشان دهند که انتخاب درست بوده است. در چنین شرایطی شاید پدر و مادر ببخشند و آن اعتماد گذشته بازگردد و شاید هم شرایط هیچ وقت عادی نشود.

چه زمانی خودتان باید برای ازدواج تصمیم بگیرید

هرچند دل‌کندن سخت است ولی پیشنهاد ما این است که بدون رضایت والدین تن به ازدواج ندهید، مگر اینکه پدر و مادر یا آگاهی مناسب یا سلامت روانی چندانی نداشته باشند. مثلا پدری را می‌شناختم که دچار بیماری پارانوئید بود و با همه رفتارهای اطرافیان دچار سوءظن می‌شد، مسلما مخالفت چنین پدری با ازدواج جای اما و اگر بسیاری دارد. در چنین جاهایی شاید ازدواج بدون رضایت خانواده چندان بد نباشد چرا که همان محیط ناسالم خانواده می‌تواند آسیب‌زا باشد، چون پدر و مادرهایی که به لحاظ روانی چندان سالم نیستند برای اعضای خانواده و فرزندان‌شان نیز تصمیمات ناسالمی می‌گیرند. البته ناگفته نماند که بهتر است در چنین مواردی حداقل با یک مشاور مشورت کنید تا مطمئن شوید تصمیم درستی گرفته‌اید.

با مخالفت شدید والدین چه کنیم؟

اگر پدر و مادر به هیچ عنوان با ازدواج موافقت نمی‌کنند، جنگیدن با آنها اصلا توصیه نمی‌شود، فرزندان باید آنقدر درایت داشته باشند تا بتوانند با دوستی و جلب اعتماد با پدر و مادر کنار بیایند، کمک یک مشاور هم می‌تواند در چنین مواقعی بسیار کمک‌کننده باشد، چرا که می‌توان با تشکیل جلسات و گفت‌وگوهای گروهی به همراه مشاور، فضا را کمی بازتر کرد تا والدین تا حدی نرم شوند. بهترین راه در اینجا صبور بودن است حتی تا چند سال، شاید کمی مشکلات سبک‌تر شوند، اگر هم مشکلات حل نشوند اما این اطمینان‌خاطر وجود خواهد داشت که به اندازه کافی سعی خود را کرده‌اید و هیچگاه احساس گناه نخواهید کرد.

کدام بهتر است؟

من نه کاملا ازدواج به سبک سنتی را توصیه می‌کنم نه غیر سنتی را بلکه می‌گویم باید چیزهای خوبی را که در ازدواج سنتی وجود دارد با خوبی‌های ازدواج غیر سنتی ترکیب کرد تا بهترین تصمیم گرفته شود. باید بدانید هنر ما در تلفیق است نه در حذف یکی به نفع دیگری.

ازدواج‌های سنتی روز به روز کمتر می‌شود

آمار ازدواج‌های سنتی روز به روز کمتر می‌شود به خصوص در شهرهای بزرگ و در میان افراد تحصیل‌کرده، از جهت دیگر فاصله نگرش بین پدر و مادرها و بچه‌ها روزبه‌روز بیشتر می‌شود چرا که والدین خودشان را به روز نمی‌کنند و در نتیجه تفاوت سلیقه‌ها بیشتر می‌شود و همین می‌تواند تنش‌ها را بیشتر کند. گاهی والدین فراموش می‌کنند که دیگر گذشت آن دورانی که در مهمانی‌های زنانه یا حمام‌ها برای پسرانشان همسر انتخاب می‌کردند، حالا بچه‌ها می‌خواهند خودشان انتخاب کنند. از طرف دیگر گاهی ملاک‌های پدر و مادر خیلی متفاوت از بچه‌هاست چون عموما از نظر آنها ظاهر، میزان تمکن مالی، اصالت خانواده و... مهم است در حالی که فرزندان این‌طور فکر نمی‌کنند.

این جدول را حتما بخوانید ازدواج سنتی ازدواج غیرسنتی مزایا معایب مزایا معایب مطابق با فرهنگ خانوادگی دخالت خانواده‌ها در روابط و مسائل زوجین شناخت بیشتر زوجین مخالفت خانواده‌ها نظر مثبت خانوادگی تصمیم‌گیری خانواده‌ها بدون در نظر گرفتن نظر زوجین زمان بیشتر برای مشاهده واقعیت‌ها احتمال انتخاب اشتباه در صورت عدم مشورت مخالفت کمتر خانواده‌ها عدم مسئولیت‌پذیری زوجین عدم دخالت‌های نابجای خانواده‌ها عدم بهره‌مندی از حمایت و نظر خانواده‌ها حمایت و همراهی خانواده

ها عدم شناخت لازم و کافی زوجین انتخاب آزادتر و وسیع تر مانع تراشی خانواده ها حفظ جایگاه دخترها محدود شدن دخترها به انتخاب از میان خواستگاران انتخاب بر اساس شناخت از خود عدم حفظ جایگاه دخترها برخورداری از تجربیات پرداختن خانواده ها به شناخت ظاهری و سطحی توجه به ملاک های اصلی به جای ملاک های سطحی و عادی عدم برخورداری از تجربیات آرامش خاطر زوج ها احساس مالکیت خانواده ها بر فرزندان و زندگی زوجین عجله نکردن رای ازدواج (فرصت آشنایی بیشتر) نگرانی ها و فشارهای بیشتر زوجین تسهیل ازدواج مانع تراشی خانواده ها به دلایل سطحی و مادی یا به دلیل رفع نیازهای شخصی خود عدم دخالت خانواده ها در شناخت زوجین و امکان نه گفتن راحت تر وابستگی عاطفی و تصمیم احساسی - هیجانی